

گرجستان در چشم‌انداز سیاست همسایگی اتحادیه اروپا

محمد علی حیدری*

دکترای روابط بین‌الملل از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

حمید رهنورد

کارشناس ارشد سیاست‌گذاری عمومی و پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک

(تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۸۷/۷/۲۰)

چکیده

سیاست همسایگی اتحادیه اروپا نقشه راهی است که چشم‌انداز روابط اتحادیه اروپا با همسایگانش را به تصویر می‌کشد. عدم امکان عضویت این همسایگان در اتحادیه به دلیل معضلات عمیق داخلی و خارجی و از سویی دیگر منافع و علایق امنیتی، سیاسی و اقتصادی اتحادیه در این کشورها موجب طرح سیاست همسایگی اتحادیه گردیده است. گرجستان به‌عنوان یک کشور با موقعیت استراتژیک یکی از این همسایگان است که دشواری‌های داخلی و خارجی آن از یک سو و اهمیت موقعیت ترانزیتی این کشور برای انتقال انرژی حوزه دریای خزر به اروپا از سوی دیگر و حفظ امنیت آن علایق مهمی است که اتحادیه اروپا در قالب سیاست همسایگی به‌دنبال آن است. در این مقاله به فرصت‌ها و چالش‌های عمده‌ای که در پیش روی این طرح وجود دارد، پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها

اتحادیه اروپا، گرجستان، سیاست همسایگی، آبخازیا، ناتو، روسیه

مقدمه

اتحادیه اروپا با بیش از ۴۵۰ میلیون نفر جمعیت و به عنوان یکی از مراکز عمده اقتصادی و سیاسی توسعه یافته جهان دارای علایق و منافع جهانی است. کشورهای همسایه بلافاصله با اتحادیه اروپا، به دلایل امنیتی، اقتصادی و سیاسی دارای اهمیت خاصی برای اتحادیه می باشند. به لحاظ سیاسی و امنیتی از نظر اتحادیه، باید توسعه، ثبات و فرایند دموکراتیزه شدن این کشورها مورد حمایت قرار گیرد و از نظر اقتصادی نیز دارای پیوندهای اساسی با اقتصاد اتحادیه باشند. به عبارت دیگر این مناطق نقش پیرامونی خاص را برای اتحادیه بازی می کنند. کشورهای حاشیه دریای مدیترانه و همچنین جمهوری های جدا شده از شوروی به ویژه اوکراین، مولداوی و سه کشور قفقاز جنوبی در چنین موقعیتی قرار دارند. سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در خصوص گرجستان را نیز باید از همین منظر مورد توجه قرار داد. در بین جمهوری های قفقاز جنوبی، گرجستان هم دارای موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بوده و هم به جهت جدیت در انجام اصلاحات دموکراتیک و آزادسازی اقتصادی و تلاش برای هماهنگی و عضویت در ناتو و حتی اتحادیه اروپا دارای موقعیت ممتازتری است.

گرجستان آزمون مهمی برای سیاست همسایگی اروپا است. کشوری که جغرافیا، تاریخ و فرهنگ آن در بسیاری از جنبه ها اروپایی است. نقش این کشور به عنوان مسیر ترانزیت انرژی، موقعیت نزدیکی به روسیه و منازعات به بن بست رسیده آن، اهمیت استراتژیک به آن داده است. دولت کنونی گرجستان خود را به دموکراسی و اصلاحات متعهد می داند و گرایش فزاینده ای در راستای اینکه بخشی از باشگاه اروپایی باشد نشان داده است. اما به دلیل ملاحظات و محدودیت های داخلی و خارجی موجود در پذیرش عضویت گرجستان در اتحادیه اروپا در شرایط فعلی به جای مطرح کردن مذاکرات دسترسی به عضویت، سیاست همسایگی اروپا به عنوان نقشه راهی میان بر برای همگرایی کشورهایی مانند گرجستان با اتحادیه اروپا طراحی شده است. منافع و ملاحظات خاص اتحادیه اروپا، تأمین کننده منافع همگرایی کشورهای همسایه با اتحادیه اروپا از جمله گرجستان است صرف نظر از اینکه کشورهایی مانند گرجستان و حتی اوکراین مصرانه درخواست شروع مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا را مطرح می کنند.

با توجه به همسایگی کشورهای قفقاز جنوبی با ایران و منافع و علایقی که ایران در این منطقه دارد، تحولات مربوط به این منطقه و سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در آینده روابط ایران با این منطقه نیز به واسطه موضوعاتی مانند امنیت، انرژی، حمل و نقل و ارتباطات تحت تأثیر قرار می گیرد، به همین جهت موضوع این مقاله برای خواننده ایرانی می تواند دارای اهمیت و جذابیت بیشتری باشد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که «چالش های سیاست همسایگی

اتحادیه اروپا در گرجستان چیست؟» سؤال فرعی این است که نقش ناتو به عنوان عامل تسهیل کننده و روسیه به عنوان مانعی برای اعمال و تداوم سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در گرجستان چیست و چه تأثیری بر سیاست همسایگی اتحادیه اروپا دارد؟ در همین راستا فرضیه اصلی این تحقیق عبارت از این است که «شرایط سیاسی و اقتصادی و امنیتی گرجستان در وضعیت کنونی از سطح استانداردهای اتحادیه اروپا پایین تر بوده و آمادگی عضویت از هر دو سو وجود ندارد» و فرضیه فرعی متضمن این گزاره می باشد که حساسیت و تضاد منافع روسیه و اتحادیه اروپا در خصوص گرجستان از موانع اجراء و تداوم سیاست همسایگی در منطقه است و ناتو به عنوان تسهیل کننده اجراء سیاست همسایگی اتحادیه اروپا است.

نویسندگان سعی می کنند در چهار بخش در روندی پیوسته با توجه به پیوند متقابل مباحث به یکدیگر به این سؤال پاسخ دهند. ابتدا سیاست همسایگی اروپا را شرح داده و در بخش بعدی نگاهی به مشکلات داخلی گرجستان نموده و در بخش سوم نقش روسیه به عنوان قدرتی جهانی و بزرگترین قدرت منطقه ای و تنش های آن با گرجستان در مسیر عضویت احتمالی بلند مدت گرجستان در ناتو و اتحادیه اروپا را تجزیه و تحلیل نموده و سپس نقش آمریکا و ناتو را به عنوان بازیگران فرا منطقه ای مؤثر در قالب متغیرهای میانه ای که سیاست همسایگی اروپا در گرجستان را تحت تأثیر قرار می دهد، مورد توجه قرار می دهیم. در نهایت با جمع بندی از مطالب بخش های ارائه شده، چشم اندازی از نحوه اعمال سیاست همسایگی اروپا با نگاه بر گرجستان ارائه خواهد شد.

سیاست همسایگی اتحادیه اروپا

با توجه به روند مناسبات اتحادیه اروپا با کشورهای قفقاز جنوبی، از جمله پذیرش این جمهوری ها در نهادهای اروپایی مانند شورای اروپا و نهادهای فراتلانتیکی همچون سازمان امنیت و همکاری اروپا یا عضویت آنها در طرح مشارکت برای صلح ناتو و کمک اتحادیه اروپا به ایجاد کریدور حمل و نقل شرق و غرب و ارائه کمک های اقتصادی و فنی جهت بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه و منافع اتحادیه اروپا در تأمین بخشی از نیازهای انرژی خویش از حوزه دریای خزر، در چشم انداز جدید اتحادیه اروپا با ارائه سیاست همسایگی اروپا، در حقیقت به دنبال طراحی استراتژیک میان مدت جهت ترسیم نوع مناسبات خویش با این منطقه است. سیاست همسایگی اروپا، به عبارتی نقشه راه حرکت سیاست خارجی اتحادیه در این منطقه با توجه به منافع و محدودیت ها و الزامات موجود در این منطقه می باشد.

در این مسیر ابهامات و پیچیدگی های متعددی وجود دارد از جمله «اتحادیه اروپا چگونه می تواند دموکراسی و ثبات را در گرجستان تشویق کند؟ در حالی که اتحادیه اروپا و روسیه در

سال ۱۹۹۹ بر سر طرح مشارکت استراتژیک با یکدیگر به توافق رسیده‌اند. اکنون سؤال این است: «این مشارکت چگونه می‌تواند به همکاری عملی در کشورهایی که همسایه مشترک اتحادیه اروپا و روسیه می‌باشند، منجر شود؟»

این چنین سؤالاتی جوابشان با سکوت روبه‌رو می‌شود، زیرا آنها زمانی مطرح می‌شوند که اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بازیگر سیاست خارجی بایستی منافع خویش را در خارج پیش ببرد، بدون آنکه سیاست گسترش را ادامه دهد. سیاست خارجی بعضی مواقع در جهاتی متضاد عمل می‌کند، در این راستا بایستی بلند پروازی‌ها از یک سو و توانایی‌های محدود از سوی دیگر، هم‌زمان همدیگر را کنترل کنند. در سیاست خارجی شریک خارجی شما به ندرت می‌خواهد شبیه شما شود و صرفاً بعضی مواقع آن چیزی را می‌خواهد که شما خواهان آن هستید. در فضای فعلی اتحادیه اروپا نمی‌توان مذاکره‌ای برای توسعه آن فراتر از تعهداتی که اتحادیه اروپا داده است، آغاز کرد. در مورد گرجستان اتحادیه اروپا با چنین شرایطی روبه‌رو است. با این وجود در سیاست خارجی به‌دنبال توسعه روابط با گرجستان است، در همان حال نمی‌تواند شرایط سیاست گسترش را برای آن کشور ارائه کند (Lynch, 2006, p. 11).

علی‌رغم علاقه‌مندی و اصرار گرجستان به درگیر شدن بیشتر اتحادیه اروپا در مسایل گرجستان، از سال ۲۰۰۵ در روابط این کشور و اتحادیه اروپا میزانی از گسستگی مشاهده می‌شود که از جهتی این روند قابل انتظار است. اتحادیه اروپا و گرجستان بازیگران متفاوتی هستند. گرجستان کشوری ضعیف در مراحل اولیه ساختن یک دولت کارآمد و دموکراتیک است. در حالی که اتحادیه اروپا مجمعی قدرتمند از دولت‌هایی است که دارای عناصری از حاکمیت توانمند می‌باشد. مسئله دیگر نگاه گرجستان به آمریکا در مقایسه با اروپا است. که آمریکا را در موقعیتی برتر از اتحادیه اروپا قرار می‌دهد که می‌توان به کمک‌های نظامی و مالی آمریکا به این کشور اشاره کرد (Georgia's Inclusion into the US Government).

(Millennium Challenge Project, 2002) در مقایسه اتحادیه اروپا با آمریکا، اتحادیه اروپا بیشتر کمک‌های فنی کرده و ظرفیت اجرای پروژه‌های صنعتی را دارا است. بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۴ اتحادیه اروپا ۴۲۰ میلیون یورو به گرجستان کمک کرده است. یک دیپلمات عالی‌رتبه فنلاندی بنام هیکی تالویکی^۱ از سوی اتحادیه اروپا برای پست نماینده ویژه برای حل مسالمت‌آمیز منازعات این منطقه تعیین شده است که بتواند اقداماتی را برای کمک به ایجاد شرایطی جهت پیشرفت در حل این منازعات به عهده بگیرد. این تحول نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا خواهان به‌عهده گرفتن نقشی فعال و قوی‌تر در روند حل این منازعات است. بنابراین در مسیر تکامل سیاست همسایگی اتحادیه اروپا دو چشم‌انداز قابل مشاهده است. اول

آنکه گرجستان همیشه یک موضوع پایدار در درون خانواده اتحادیه اروپایی مورد بحث بوده است و این بحث همچنان در جریان است ولی پاسخی به آن ارایه نشده است. دوم آنکه سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این خصوص پیش از آنکه بوسیله یک استراتژی معین پیش برده شده باشد، عمدتاً بوسیله حوادث هدایت شده است (Lynch, 2006, p. 14).

مطمئناً دولت گرجستان بایستی انتظارات واقع بینانه‌ای را درباره درگیر شدن اتحادیه اروپا در گرجستان داشته باشد. در مقایسه با آمریکا گرجستان بایستی بپذیرد که اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۲ در امور گرجستان درگیر بوده است. اتحادیه اروپا برای مدت طولانی در گرجستان سرمایه‌گذاری کرده است و برای اتحادیه نادیده گرفتن آن امکان‌پذیر نیست. از سال ۲۰۰۳ به تاکنون به‌ویژه بعد از وقوع انقلاب گل رز فرصت‌هایی برای اتحادیه اروپا ایجاد شده است که ضروری است آنها منافع‌شان را در گرجستان به شکل صریح‌تر تعریف کنند و با نگاه به گذشته وضعیت جاری را دوباره ارزیابی نمایند.

الف- منافع مستقیم اتحادیه اروپا در گرجستان

۱. منافع اتحادیه اروپا انتظاراتی است که با وقوع انقلاب گل رز به‌وجود آمده است. زیرا قبل از این تغییر قدرت، گرجستان یک دموکراسی شکست‌خورده بود. برای اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن، حکومت مطلوب که در گرجستان تشکیل شده است و همچنین احیای مسالمت‌آمیز تمامیت ارضی آن دارای اهمیت است.
۲. گرجستان همسایه مهم اتحادیه اروپای گسترش یافته است. یک گرجستان ضعیف و شکست خورده می‌تواند به‌عنوان منبعی از تهدیدات یا انتقال آنها به اروپا عمل کند.
۳. اتحادیه اروپا منافع مستقیمی در ثبات گرجستان به خاطر انتقال تولیدات انرژی از دریای خزر به اروپا دارد. به‌طوری که براساس پیش‌بینی اتحادیه حجم واردات انرژی از ۵۰ درصد به ۷۰ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت (Starr, 2005).
۴. اتحادیه اروپا در حل مسالمت‌آمیز منازعات موجود در گرجستان ذینفع می‌باشد، زیرا هنوز تهدید جنگ در آبخازیا و اوستیای جنوبی از بین نرفته است. جنگ در این منطقه می‌تواند کشورهای حاشیه دریای سیاه را که عضو اتحادیه می‌باشند، تحت تأثیر منفی قرار دهد. در نهایت گرجستان به دلایل منطقی با تهدیدهای امنیتی جدید بعد از ۱۱ سپتامبر در ارتباط است و مهم است که گرجستان ناخواسته به محلی برای حضور گروه‌های تروریستی بین‌المللی تبدیل نشود، یا در قفقاز شمالی یا حوزه دریای سیاه این گروه‌ها فعال نشوند. مضافاً این نکته حیاتی است که گرجستان به‌عنوان منبعی از فروش مواد مرتبط با ساخت تسلیحات کشتار دسته جمعی مورد استفاده قرار نگیرد.

از طرف دیگر گرجستان منافع برای معماری امنیتی اروپا در بر دارد. تحولات ناتو در دهه ۱۹۹۰ و مشکلاتی که سازمان امنیت و همکاری اروپا با آن روبه‌رو است، باعث نزدیکی اتحادیه اروپا، ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌گردد. در همین راستا گرجستان در طرح امنیتی گسترده اروپا تأثیرات به‌سزایی دارد. از نظر اروپا گرجستان در میان علایق فراآتلانتیکی اتحادیه اروپا قرار دارد، علی‌رغم اختلافاتی که در جنگ عراق بین آمریکا و اتحادیه اروپا بروز کرد. به‌همین جهت هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا منافع مشترکی در پیشرفت و ثبات گرجستان دارند، هر چند این منافع لزوماً مشابه نیست.

همکاری فراآتلانتیکی عنصر کلیدی برای موفقیت گرجستان است. همچنین منافع اتحادیه اروپا در گرجستان متأثر از روابط اتحادیه اروپا با روسیه است. در سال ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا و روسیه قصدشان را برای ایجاد یک مشارکت استراتژیک و همکاری بیشتر در حوزه انرژی برای رسیدن به این اهداف مشترک اعلام کردند. نشست سران اتحادیه اروپا و روسیه در مه ۲۰۰۵، مسکو و بروکسل را به توافقی در خصوص نقشه راه در چهار حوزه مشترک از امنیت خارجی به توافق رساند که شامل همکاری امنیتی در همسایگی مشترک در نواحی‌ای که روسیه و اتحادیه اروپا در آن مرز مشترک دارند، می‌باشد. مشارکت استراتژیک روسیه و اتحادیه اروپا در سیاست همسایگی منافع مشترکی را ایجاد خواهد کرد.

اتحادیه اروپا هیچ منفعتی در روابط روسیه و گرجستان ندارد. علی‌رغم اهمیت گرجستان، اتحادیه اروپا به دنبال روابط و مناسبات در فضای همکاری با روسیه است. هرچند این مشکل است، اما بروکسل و دولت‌های عضو به وجود یک فضای مثبت میان مسکو و تفلیس علاقمند هستند. علی‌رغم علاقمندی اتحادیه برای روابط خوب همسایگی بین روسیه و گرجستان، هم‌زمان روابط اتحادیه اروپا و گرجستان نمی‌تواند، پیرو مشارکت استراتژیک با روسیه باشد. چالش برای اتحادیه اروپا و ایجاد یک موازنه مثبت بین این دو ضرورت دارد.

در نهایت اتحادیه اروپا منفعی در موفقیت گرجستان دارد. زیرا این موضوع دارای اهمیت گسترده‌تر برای امور امنیت بین‌المللی است. از آنجا که در شروع قرن ۲۱ یکی از چالش‌های مهمی که جامعه بین‌المللی با آن روبه‌رو است تقویت فرایند دموکراتیک شدن حکومت‌های غیردموکراتیک در میان کشورهایی که در حال رقابت با یکدیگر هستند (منظور کشورهایی است که در صدد عضویت در اتحادیه اروپا هستند) می‌باشد، گرجستان یک مورد آزمون حیاتی برای اتحادیه اروپا در این چشم‌انداز را تشکیل می‌دهد (International Crisis Group, 2006, P. 3).

با توجه به مزایای عضویت در اروپا اکثریت قریب به اتفاق مردم کشورهای قفقاز جنوبی خواستار پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا هستند، به‌گونه‌ای که در انتخابات ژانویه ۲۰۰۸ ریاست

جمهوری در گرجستان، که هم‌زمان با آن رفراندوم عضویت در ناتو نیز برگزار شد، ۹۴ درصد از مردم گرجستان برای پیوستن این کشور به ناتو رأی مثبت دادند. هرچند این کشورها استانداردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لازم برای ورود به اتحادیه را دارا نیستند. با این وجود رسانه‌های گروهی و نخبگان سه کشور قفقاز جنوبی، نقش مؤثری در حرکت این کشورها به سوی همگرایی با اتحادیه اروپا ایفا می‌کنند. درخواست‌ها و علایق برای عضویت در اتحادیه اروپا در بالاترین حد خود است. دولت گرجستان خواهان مذاکرات برای موافقت‌نامه اتحاد بعد از طرح قانون سه ساله سیاست همسایگی اتحادیه اروپا است. (در حالی‌که بروکسل آن را طرحی پنج ساله می‌داند) همچنین گرجستان عضویت در ناتو را به‌عنوان هدفی کوتاه مدت مورد توجه قرار می‌دهد.

ب- چالش‌های اتحادیه اروپا در گرجستان

آیا سیاست اتحادیه اروپا در هماهنگی با منافع اروپا در گرجستان است؟ درگیری اتحادیه در گرجستان نسبتاً همه جانبه است که طیفی از حمایت انسان دوستانه و ظرفیت‌سازی برای همکاری اقتصادی را شامل می‌شود. اما منافع اروپا به شکل خاص و محدود باقی مانده است. آینده گرجستان می‌تواند به توافق برای همگرایی گرجستان با اروپا اگرچه نه با اتحادیه اروپا و توافق بر سر پیوستن مجدد آن به جریان اصلی تاریخ اروپا منجر شود. در این راستا اتحادیه اروپا از این تحول در گرجستان حمایت می‌کند و در عمل به آن چهار اصل را راهنمای سیاست خویش قرار می‌دهد:

۱. ایجاد منافع جدی و دائمی، که در این راستا حضور خود را در گرجستان افزایش دهد.
 ۲. در وضعیت موجود، احیای تمامیت ارضی گرجستان یک منفعت مهم برای اتحادیه اروپا است. به این معنی که هم آمریکا و اتحادیه اروپا تداوم وضعیت موجود در آبخازیا و اوستیای جنوبی را نخواهند پذیرفت.
 ۳. هماهنگی با آمریکا، همکاری فراآتلانتیکی برای تحقق اهداف اروپایی و آمریکایی در گرجستان بوده و هماهنگی قوی فراآتلانتیکی، برای تحول گرجستان ضروری است.
 ۴. روسیه سهم در گرجستان، اتحادیه اروپا نمی‌تواند از حضور روسیه در گرجستان جلوگیری کند. لازم است اتحادیه اروپا فعالانه روسیه را در گرجستان درگیر کند و البته این آسان نخواهد بود. زیرا اتحادیه اروپا و روسیه در گرجستان منافع مشابهی ندارند و همکاری بین آنها سخت است. با این حال فرض آغاز تفکر همکاری استراتژیک روسیه- اتحادیه اروپا در همسایگی مشترک می‌بایست ساخته شود.
- همچنین تنش‌های اخیر بین گرجستان و روسیه در نیمه دوم سال ۲۰۰۷ و تداوم آن در سال ۲۰۰۸ از تلاش گرجستان برای عضویت در ناتو و ناخشنودی روسیه از آن نشأت می‌گیرد.

بعضی از دیپلمات‌های غربی اعتقاد دارند مسکو آرزومند است در صورت گسترش عضویت ناتو به این کشورها از طریق بی‌ثبات کردن گرجستان این عضویت را غیر ممکن سازد، بنابراین طرح‌های اخیر اعلام شده روسیه برای گسترش روابط آن با آبخازیا و اوستیای جنوبی در راستای مقابله با اهداف ناتو تحلیل می‌گردد (Castle, 2008). همچنین حضور گرجستان در گوام^۱ که دربرگیرنده کشورهای حامی کاهش سلطه و نفوذ روسیه در مجموعه جمهوری‌های جدا شده از شوروی است، یکی دیگر از عوامل فشار روسیه بر گرجستان می‌باشد.

به‌ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر در درون جوامع سه کشور قفقاز جنوبی گرایش‌ها و علایق دموکراتیک تقویت شده و گرایش به‌سوی انجام اصلاحات سیاسی- اقتصادی اساسی برای همگرایی بیشتر با اتحادیه اروپا فراهم شده است. منافع متقابل اتحادیه اروپا برای حل منازعات منطقه‌ای قفقاز جنوبی در راستای تأمین امنیت این منطقه به‌عنوان همسایگان جدید اتحادیه اروپا و از سویی دیگر نقش ترانزیتی این منطقه برای انتقال نفت و گاز یا منابع انرژی به‌سوی اتحادیه اروپا از عواملی هستند که علایق متقابلی را بین اتحادیه اروپا و قفقاز جنوبی ایجاد کرده اند (Leonard and Grant, 2005).

گرجستان و مشکلات داخلی

گرجستان کشوری فقیر و بی‌ثبات قبل از انقلاب گل رز ۲۰۰۳ بود. ساکاشویلی تلاش کرده است با گرایش‌های نزدیک به تفکر نومحافظه‌کاران آمریکایی که بیش از گفتمان غالب اروپایی بر افکار او غلبه دارد، کشور را هدایت کند. گرجستان در منطقه‌ای قرار گرفته است که به‌وسیله جنگ و بلوک‌بندی‌ها از سوی قفقاز شمالی و تنش‌های بین آذربایجان و ارمنستان تقسیم شده است. از سویی دیگر منطقه قفقاز جنوبی به مرکز رقابت ژئوپلیتیک بین روسیه و آمریکا تبدیل شده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد نقش اتحادیه اروپا در این منطقه خیلی روشن و برجسته نیست. اما این نگاه گمراه‌کننده است. مهم‌تر از همسایگی تقریباً بلافصل با اتحادیه

۱. در خصوص گوام ضروری است اشاره شود که این سازمان متشکل از گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی است (ازبکستان از این گروه در سال ۲۰۰۵ خارج شد) و به‌طورکلی این گروه‌بندی نمایانگر کشورهای مخالف احیاء سلطه روسیه بر جمهوری‌های شوروی بوده و تمایل به حرکت در مسیر دموکراتیک شدن و پیوستن به نهادهای اروپایی و حتی در خواست عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا است. کشورهای خارج از گوام در مجموعه کشورهای مشترک‌المنافع مستقل، عملاً روابط نزدیکی با روسیه داشته و عموماً دارای نظام سیاسی اقتدارگرا و متمرکز می‌باشند و با فشارهای اتحادیه اروپا و آمریکا برای رعایت معیارهای دموکراسی غربی مانند انتخابات آزاد، نظام چند حزبی، رعایت حقوق بشر و غیره مخالف هستند.

اروپا، گرجستان در حال شکل دادن به یک دموکراسی است. بنابراین اگر اتحادیه اروپا به دنبال انجام تعهدات خود برای توسعه دموکراسی و حکومت مطلوب در جهان است، در این صورت گرجستان باید یکی از اولین اولویت‌ها باشد. اتحادیه اروپا برای کمک به موفقیت گرجستان برای دموکراتیک شدن دارای منافع می‌باشد. گرجستان حرکت در این مسیر را انتخاب کرده است، اما با چالش‌های جدی روبه‌رو است و پیشبرد آن نیازمند حمایت اتحادیه اروپا است (Lynch, 2006, pp. 8-9). به‌طوری که پنج سال بعد از روی کار آمدن ساکاشویلی، با وجود حمایت ۹۶ درصد که وی را به قدرت رساند، مشکلات اقتصادی و به‌ویژه فشارهای اقتصادی روسیه، موجب بروز نارضایتی‌هایی گردیده و در انتخابات ژانویه سال ۲۰۰۸ که یکسال زودتر از موعود مقرر صورت گرفت، ساکاشویلی تنها با ۵۳/۴۷ درصد آراء به پیروزی رسید.

الف- آبخازیا و اوستیای جنوبی

اوستیای جنوبی یک منطقه کوچک محصور در خشکی با ۴۵ دقیقه فاصله از تفلیس با جمعیتی کمتر از صد هزار نفر است (دو سوم جمعیت این منطقه اوستی و یک سوم گرجی هستند). به لحاظ تاریخی، روس‌ها با اوستیایی‌های مسیحی به‌عنوان بهترین دوستانشان در قفقاز رفتار می‌کردند و اوستیای جنوبی را دارای اهمیت استراتژیک برای خود می‌دانستند، زیرا این منطقه در مسیر بزرگراه قفقاز، جنوب و شمال قفقاز را به هم متصل می‌کند.

آبخازیا بیشتر شبیه یک کشور کوچک با جمعیتی بیش از ۳۰۰ هزار نفر و تاریخی طولانی از خودمختاری است. آبخازیا در ساحل شمال‌شرقی دریای سیاه با دره‌های حاصلخیز و رودخانه‌های پر آب و سواحل زیبا قرار گرفته است. در زمان شوروی آبخازیا منطقه‌ای توریستی بود. برخلاف ادعای آنها برای استقلال، قوم آبخازی قبل از فروپاشی شوروی کمتر از یک سوم جمعیت آبخازیا را تشکیل می‌دادند. همچنین آنها از نظر تعداد بعد از گرجی‌ها قرار می‌گرفتند. پاک‌سازی قومی آشکارا سرزمین‌های مجزایی با ساکنان آبخازی در شمال و غرب آبخازیا ایجاد کرده است. گرجی‌ها در ناحیه کالی^۱ هم مرز با استان مگرلیا^۲ گرجستان زندگی می‌کردند. رهیافتی خوش‌بینانه بر این اعتقاد است که این دو منازعه به بن بست رسیده و حل نخواهد شد تا زمانی که روسیه نسبت به همسایگان خارج نزدیک خود یک رهیافت جدید اتخاذ کند. این در حالی است که عکس‌العمل روسیه نسبت به حمله گرجستان به اوستیای جنوبی نشان‌دهنده آن است که تضاد منافع و رویارویی غرب با روسیه در این منطقه همچنان ادامه خواهد یافت و هر کدام از طرفین با ابزارهای در دسترس خویش تلاش خواهند کرد تا حوزه

1. Cali

2. Megrelia

نفوذ خود را گسترش داده و حوزه نفوذ رقیب را محدود نمایند. به عبارت دیگر بازی در قفقاز جنوبی به جای وضعیت برد-برد که معمولاً می‌تواند مسالمت‌آمیز مدیریت شود به وضعیت برد و باخت یا با حاصل جمع جبری صفر منجر شده است.

آبخازیا و اوستیای جنوبی پس از درگیری‌های خشونت بار اوایل دهه ۱۹۹۰ و پس از آتش بس در ۱۹۹۴ از گرجستان جدا شده‌اند و روسیه به نیروهای جدایی‌خواه کمک‌هایی مانند تامین انرژی، صدور روادید و غیره ارائه می‌کند. روسیه در انتظار پیوستن به سازمان تجارت جهانی است که با توجه به عضویت گرجستان در آن و نیاز به اتفاق آراء برای عضویت کشور جدید در سازمان مذکور، تجارت روسیه با آبخازیا و اوستیای جنوبی باید زیر نظر دولت مرکزی گرجستان قرار گیرد. در غیر اینصورت گرجستان به عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی رای مخالف خواهد داد. اما پیچیدگی روابط روسیه و اتحادیه اروپا و روابط گسترده آلمان، ایتالیا و فرانسه با روسیه و منافع متقابل طرفین از تجارت چندجانبه، برای گرجستان مخالفت با عضویت روسیه را مشکل‌تر خواهد ساخت (Euobserve, 2007).

تنبیه گرجستان از سوی روسیه و در مقابل، تهدید آمریکا به اخراج روسیه از گروه هشت و تیرگی روابط میان ناتو و روسیه و اعلام همبستگی اتحادیه اروپا و آمریکا با گرجستان، در عمل نشان داد این حوزه استراتژیک به لحاظ امنیت عرضه انرژی به غرب و دسترسی به منابع انرژی حوزه دریای خزر و حتی در چشم‌انداز وسیع‌تر رقابت با چین برای غرب از اهمیت حیاتی برخوردار است. همان‌گونه که روسیه نیز تلاش می‌کند با مقاومت در مقابل گسترش ناتو حداقل بخشی از نفوذ سابق خود در منطقه را حفظ کند. در حقیقت درگیری‌های اخیر در اوستیای جنوبی و عکس‌العمل طرفین نسبت به آن، پیچیدگی محیط سیاسی، اقتصادی و امنیتی این منطقه را از ابعاد داخلی و بین‌المللی نشان داد. به نظر می‌رسد با توجه به وجود نوعی از موازنه قوا میان غرب و روسیه در منطقه وضعیت ناپایدار فعلی در آینده نزدیک همچنان ادامه خواهد داشت.

ب- رهیافت عملی اتحادیه اروپا در گرجستان

بعد از وقوع انقلاب گل رز کمک‌های مالی اتحادیه اروپا به گرجستان به شدت افزایش یافته است. با توجه به اینکه اتحادیه اروپا بیش از آنکه یک بازیگر سیاسی باشد، یک فراهم‌کننده کمک‌های مالی است، با این حال اتحادیه به‌ویژه در چهار سال اخیر سعی نموده است با فعال شدن در حل منازعات قفقاز جنوبی و افزایش کمک‌های مالی نقش سیاسی فعال‌تری را ایفا کند. به‌طوریکه کمیسیون اروپایی در کنفرانسی در ژوئن ۲۰۰۴ که برای کمک به گرجستان ترتیب داده بود، بیش از یک میلیارد دلار کمک را به گرجستان تعهد کرده است

(European Commission and World Bank, 2004). گرجستان نیازمند کمک‌های مالی و اقتصادی اتحادیه اروپا است، همچنین برای تأمین امنیت ملی خود خواستار عضویت در ناتو می‌باشد، اما اتحادیه اروپا به دنبال حضور و نفوذ در گرجستان برای حفظ امنیت و ثبات و توسعه دموکراسی در گرجستان در جهت تقویت امنیت اروپا در قالب سیاست همسایگی جدید اتحادیه اروپا است. در حقیقت خواسته‌ها و نیازهای طرفین از همدیگر متفاوت می‌باشد (ENP Action Plan, 2005, p. 3). گرجستان علاقمند است که طرح عمل یک پیمان دوستی باشد که اتحادیه متعهد به کمک‌های سیاسی و امنیتی بویژه برای روسیه گردد. این کشور در جستجوی مشارکت سیاسی مستقیم اتحادیه اروپا در حل منازعات آبخازیا و اوستیای جنوبی است. زیرا عدم حل این منازعات را ناشی از دخالت روسیه می‌داند و معتقد است اتحادیه اروپا می‌تواند نفوذ مثبتی بر اتحادیه اروپا داشته باشد تا این کشور نقش سازنده تری را ایفا کند (Baramidze, 2005).

ج- حقوق بشر و دموکراتیک‌سازی ابزارهایی برای حل منازعات

رهیافت حقوق بشر و دموکراتیک‌سازی یکی از اصلی‌ترین رهیافت‌های اتحادیه اروپا در پیشبرد سیاست همسایگی این اتحادیه در قفقاز جنوبی است. در همین راستا کمیسیون اروپا در پیش‌نویس‌های طرح عمل این سه کشور تأکید بر تقویت دموکراسی، حمایت از حقوق بشر و رعایت قانون که شامل اصلاحات قانونی در جهت تأمین دسترسی به یک تفکیک قوای واقعی است را به عنوان اولین اولویت‌های خود دارد. این کمیسیون همچنین بر اجرای اصلاحات قضایی، جهت ظرفیت‌سازی تأکید می‌کند و همچنین تداوم اصلاحات در نظام انتخاباتی بر مبنای توصیه‌های شورای اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا را مطرح می‌سازد. در پیش‌نویس طرح عمل، همچنین به بهبود وضعیت در زمینه عدالت، آزادی و امنیت که شامل مدیریت مرزی نیز می‌گردد، اولویت داده شده است. مهم‌ترین مشارکت اتحادیه اروپا در حل منازعات در قفقاز جنوبی از طریق اجرای برنامه‌های احیای زیرساخت‌ها و اقتصاد در آبخازیا و اوستیای جنوبی است (Declaration by the Presidency, 2006).

نقش روسیه و ناتو در گرجستان

الف- روسیه

بزرگترین چالش دولت ساکاشویلی نحوه مدیریت روابط با همسایه شمالی یعنی روسیه است. علی‌رغم فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ بسیاری از مردم در مسکو هنوز گرجستان را به عنوان بخشی از امپراتوری روسیه می‌بینند. دولت روسیه میل ندارد که از کنترل بر

جهت‌گیری‌های خارجی و سیاست گرجستان صرف نظر کند. با استفاده از ترکیبی از قدرت سخت‌افزاری مانند سربازان مستقر در مرز میان گرجستان و مناطق جدایی‌خواه و قدرت نرم‌افزاری (انرژی ارزان قیمت و سیاست‌های شهروندی و دیپلماسی فرهنگی) کرملین تلاش می‌کند تا گرجستان را در مدار کنترل خود قرار دهد. در نقطه مقابل ساکاشویلی معتقد است که گرجستان باید آزاد باشد و خود را در نقش پدر ملت می‌پندارد. او بر این اعتقاد می‌باشد که باید به حضور سربازان روسیه در خاک گرجستان پایان دهد.

ب- ناتو

در دهه ۱۹۹۰ زمانی که روشن شد روند دسترسی به عضویت در اتحادیه اروپا برای کشورهای اروپای شرقی - مرکزی سال‌ها طول خواهد کشید، ناتو به‌عنوان یک امتیاز جدید برای این کشورها مطرح شد. این اتحادیه آنان را دعوت به همکاری می‌کند و جمهوری‌های اتحاد شوروی را به‌عنوان ابزاری برای همگرا کردن کشورهای کمونیست پیشین با غرب مجدداً دعوت می‌کند. الزامات برای عضویت در ناتو کمتر از پیوستن به اتحادیه اروپا سختگیرانه می‌باشد. با این وجود با توجه به حرکت گرجستان در مسیر صلح و پیوستن به ناتو وزیر دفاع روسیه از افزایش نیروهای حافظ صلح روسی در دو منطقه جدائی‌خواه گرجستان خبر داده بود و سابقه این تنش‌ها با حمله اوایل اوت ۲۰۰۸ به درگیری نظامی میان گرجستان و روسیه منجر شد و رویارویی ناتو و روسیه را در این منطقه تشدید کرد. به گونه‌ای که دیک‌چنی در اوایل سپتامبر ۲۰۰۸ طی دیدار از چهار کشور آذربایجان، گرجستان، اوکراین و ایتالیا صریحاً به روسیه هشدار داد که اوکراین و گرجستان در کوتاه مدت به عضویت ناتو درخواست خواهند آمد. حمایت اتحادیه اروپا و آمریکا از پیوستن گرجستان و اوکراین به ناتو نشان‌دهنده تعارض منافع طرفین در این منطقه حساس و استراتژیک از جهان می‌باشد. روسیه نیز اعلام کرده است از موضع به رسمیت شناختن اوستیای جنوبی و آبخازیا عقب‌نشینی نخواهد کرد، این موضوع بر پیچیدگی و تشدید تعارض در منطقه افزوده است.

سیاست همسایگی اروپا، امنیت عرضه انرژی

تنوع بخشیدن به منابع عرضه انرژی و کاهش نقش روسیه در بازارهای انرژی اروپا از سیاست‌های مورد تأکید اتحادیه اروپا است. در همین راستا منابع انرژی حوزه دریای خزر و انتقال آن از طریق قفقاز جنوبی بدون عبور از روسیه به اروپا در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی مورد توجه آمریکا و اتحادیه اروپا بوده است. در همین زمینه یکی از تحولات مهم اقتصادی منطقه قفقاز جنوبی که آن هم با سیاست همسایگی اروپا در

ارتباط تنگاتنگ است، افتتاح و بهره‌برداری از خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزروم^۱ در سال ۲۰۰۷ می‌باشد. این خط لوله گازی در مسیر موازی با خط لوله نفتی باکو-تفلیس-جیحان^۲ قرار دارد و اولین خط لوله گاز است که گاز حوزه دریای خزر را از طریق گرجستان و ترکیه به بازار اروپا منتقل می‌کند. اهمیت این خط لوله برای اتحادیه اروپا از آن رو است که برای تنوع بخشیدن به عرضه انرژی به اروپا و همچنین ممانعت از شکل‌گیری سیطره شرکت گاز پروم روسیه بر بازار گاز اروپا می‌تواند نقطه آغازی باشد.^۳ در همین راستا این خط لوله که ظرفیت آن ۷/۶ میلیارد مترمکعب در سال است، در نیمه دوم سال ۲۰۰۷ به بهره‌برداری رسید که از نظر ریچارد پگ^۴ یکی از مقامات شرکت نفت انگلیس BP (مجری پروژه مذکور) ظرفیت این خط لوله می‌تواند در فاز دوم تا بیست میلیارد مترمکعب در سال افزایش یابد.

تحول جدید دیگر برای تأمین انرژی اروپا خط لوله پیشنهادی ترانس خزر^۵ از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا است. براساس آن قرار است گاز کشورهای آسیای مرکزی از زیر بستر دریای خزر و از طریق آذربایجان-گرجستان-ترکیه به اروپا و غرب منتقل شود. معاون وزیر خارجه آمریکا ماثو بریزا^۶ به هنگام دیدار از آذربایجان در اوایل ژوئن ۲۰۰۷ تأکید کرد انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به بازارهای اروپایی از مسیر خط لوله ترانس خزر ۵۰ درصد ارزان‌تر از مسیر پیشنهادی ترکمنستان-قزاقستان-روسیه به اروپا خواهد بود. او معتقد است تحقق پروژه ترانس خزر باعث تنوع عرضه و کنترل قیمت‌ها خواهد شد و امنیت انرژی اروپا را افزایش داده، مانع انحصار روسیه بر بازار انرژی اتحادیه اروپا خواهد بود.

اهمیت این خط لوله در رقابت قدرت‌های بزرگ از جمله اتحادیه اروپا برای دسترسی به منابع انرژی دریای خزر در سال ۲۰۰۷ با امضا قرارداد انتقال گاز روسیه، ترکمنستان و قزاقستان از طریق خط لوله‌ای در امتداد دریای خزر به روسیه در ماه مه ۲۰۰۷ از سوی پوتین، نظربایف و بردی محمداف دوباره مورد تأکید قرار گرفت. هرچند بردی محمداف رئیس جمهور ترکمنستان یادآور شد امضای این توافقنامه باعث لغو پروژه خط لوله ترانس خزر نخواهد شد، زیرا کشورهای آسیای مرکزی نیز به دنبال تنوع

1. Baku- Tbilisi- Erzurum

2. Baku- Tbilisi- Cihan

۳. لازم به یادآوری است شرکت ملی گاز الجزایر از طریق خط لوله‌ای از بستر دریای مدیترانه گاز مورد نیاز کشورهای جنوب اروپا مانند فرانسه و اسپانیا را تأمین می‌نماید.

4. Richard Pegge

5. Trans- Caspian Gas Pipeline

6. Matthew Bryza

خطوط لوله برای صادرات نفت و گاز و عدم وابستگی به یک کشور می‌باشند. این موضوع با منافع ایران و موقعیت ژئواکونومیک آن نیز در ارتباط قرار دارد. آمریکا و اتحادیه اروپا با توجه به روابط تنش آلودشان با ایران علاقه‌ای به عبور خطوط لوله نفت و گاز حوزه دریای خزر از ایران ندارند (Nuriyev, 2007, p. 9) و با توجه به موقعیت ترانزیتی گرجستان، تنش‌های موجود میان ایران، اتحادیه اروپا و آمریکا باعث افزایش اهمیت گرجستان برای غرب شده است. پروژه خط لوله گازی ناباکو نیز که قرار است گاز حوزه دریای خزر و ایران و حتی بعضی از کشورهای خاورمیانه را به کشورهای ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان، اتریش و سپس به غرب اروپا برساند، از تنش‌های ایران با غرب دور نمانده است. برخی از کشورهای مجری پروژه ناباکو خواهان تکیه صرف به گاز حوزه دریای خزر برای اجرای آن می‌باشند. اما برخی دیگر با توجه به حجم انبوه ذخایر گاز ایران به عنوان دومین کشور دارنده جهانی آن، هم‌زمان استفاده از گاز ایران و حوزه خزر را برای تأمین گاز خط لوله ناباکو را مورد تأکید قرار می‌دهند. به هر حال ایران هم به عنوان دارنده ذخایر انرژی و هم با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خود می‌تواند نقش فعال‌تری در آینده بازار انرژی اروپا بازی کند و یکی از رقبای جدی گاز پروم در اروپا باشد.^۱

در این راستا در تحولی جدید علاوه بر پنج شریک اولیه مجری طرح ناباکو، در چهارم فوریه ۲۰۰۸ طی مراسمی رسمی در وین با حضور پنج شریک اولیه و وزیر منابع طبیعی و انرژی ترکیه حلمی گولر^۲ شرکت گاز طبیعی آلمان نیز رسماً به طرح ناباکو پیوست^۳ که این تحول اهمیت این طرح را که تا اروپای غربی امتداد خواهد یافت، بیش از پیش افزایش می‌دهد. قابل ملاحظه است که چند روز پس از این مراسم در دیدار رؤسای جمهور فرانسه و رومانی شرکت ملی فرانسه نیز علاقه‌مندی خود را برای پیوستن به طرح مذکور ابراز داشتند (Tehran Times, 2008, p.3).

به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا در راستای سیاست همسایگی علاوه بر کمک‌های اقتصادی فعلی برای اجرای پروژه‌های اقتصادی در گرجستان به‌ویژه در حوزه انرژی،

۱. با توجه به اینکه قطر با کمی فاصله با ایران سومین دارنده ذخایر گاز جهان است و با توجه به گسترش روابط دوستانه با کشورهای جنوبی خلیج فارس و با توجه به مشترک بودن حوزه بزرگ گاز پارس جنوبی، انتقال گاز قطر به سوی اروپا از مسیر ایران و به تبع آن افزایش وزن سیاسی ایران در میان کشورهای اروپایی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

2. Hilmi Guler

۳. کشورهای عضو طرح ناباکو شامل ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان، اتریش و آلمان می‌باشند.

نیازمند آن است که تعرفه‌های ترجیحی بیشتری به کالاهای گرجی اختصاص داده و سرمایه‌گذاری بیشتری در آن کشور انجام دهد، زیرا حل مشکلات اقتصادی برای تداوم ثبات سیاسی و اصلاحات سیاسی- اقتصادی در گرجستان اجتناب‌ناپذیر است. در صورت عدم حل مشکلات اقتصادی مانند بیکاری، فقر و درآمد سرانه پایین ممکن است ثبات مورد نظر اتحادیه اروپا در گرجستان از بین برود. این مسئله در راستای سیاست همسایگی اروپا قرار نخواهد داشت. به‌همین جهت پیروزی طرفداران غرب در انتخابات ۵ ژانویه ۲۰۰۸ فرصت مناسب دیگری برای سیاست همسایگی اتحادیه اروپا است تا دموکراسی و توسعه اقتصادی فعلی در گرجستان را تشویق کرده، از بازگشت طرفداران روسیه به قدرت در تفلیس جلوگیری نماید.

به‌همین لحاظ تحولات جاری در گرجستان از سوی اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه و حتی کشورهای همسایه گرجستان با حساسیت تعقیب می‌شود. پیروزی ساکاشویلی و تداوم اصلاحات دمکراتیک در گرجستان هم‌راستا با سیاست همسایگی اتحادیه اروپا قرار دارد و مورد حمایت اتحادیه است. همچنین ناظران سازمان امنیت و همکاری اروپا این انتخابات را گامی مثبت در راستای دموکراسی تلقی کردند. هرچند این به‌معنای تأیید کامل نحوه برگزاری انتخابات نیست (Dzhindzhikashvili, 2008). اما نباید این‌گونه فرض کرد که نتیجه این انتخابات تضمین دراز مدتی برای تداوم ثبات در گرجستان می‌باشد. این تحولات هم‌زمان با تنش‌هایی بود که در سیاست خارجی گرجستان با روسیه در جریان بود و به اخراج متقابل دیپلمات‌های روسی و گرجی منجر شد. هرچند انتخابات اخیر ریاست جمهوری در گرجستان با پیروزی ساکاشویلی خاتمه یافت، اما دولت ساکاشویلی مجدداً مخالفان را به‌عنوان عوامل طرفدار روسیه مورد خطاب قرار داد. اگرچه ممکن است این ادعا بهره‌ای کامل از واقعیت نداشته باشد، اما مهم‌تر از آن نشانگر کشاکش درونی میان گرایش‌های روسی و غربی در سیاست‌های داخلی و خارجی گرجستان می‌باشد (Bahrapour, 2007, p.16).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سیاست همسایگی اتحادیه اروپا می‌تواند در کشورهای همسایه آن سبب بروز تحولات مثبتی در راستای همگرایی این کشورها با اتحادیه گردد. این مهم در بردارنده منافع طرفین خواهد بود. گرجستان به‌عنوان یکی از همسایگان این طرح مورد توجه اتحادیه اروپا است. اما باید در نظر داشت که اعمال سیاست همسایگی در خصوص گرجستان و حتی دیگر کشورهای همسایه با محدودیت‌ها و مشکلات متعدد روبه‌رو است. از جمله در گرجستان محدودیت‌هایی

مانند جدایی طلبی، فساد، فقر و تنش با روسیه عواملی است که اعمال سیاست همسایگی را به چالش می‌کشد. در این راستا با توجه به موارد مطرح شده به نظر می‌رسد در شرایط فعلی اتحادیه اروپا ممکن است پنج استراتژی مرتبط در گرجستان را در پیش گیرد.

۱. اعتراف به هویت اروپایی گرجستان و باز گذاشتن چشم‌انداز عضویت به اشکالی متنوع در دراز مدت، مانند یک رویای اروپایی که به تقویت روند اصلاحات در گرجستان کمک خواهد کرد.

۲. ایفای نقشی معنی‌دار در حل و فصل منازعات به بن‌بست رسیده از طریق حمایت از طرح‌های صلح، تحت فشار قرار دادن روسیه برای تشویق حامیان آن به مذاکرات سازنده، تأسیس گارد کنترل مرزی برای اوستیای جنوبی، آبخازیا و مرز چچن تحت سیاست دفاعی - امنیتی اروپایی و حمایت از پروژه‌های زیربنایی مانند شبکه‌های ریلی که می‌تواند روابط بین نواحی جدا شده و سراسر گرجستان را به حالت عادی در آورد.

۳. استفاده از سیاست همسایگی اتحادیه اروپا برای تضمین اینکه گرجستان در مسیر دموکراتیک باقی خواهد ماند. این به این معنی است که تأکید بیشتر بر پروژه حاکمیت قانون درباره پلیس، سیستم قضایی و خدمات شهری و همچنین حفظ فشار سیاسی بر ساکاشویلی برای برخورد جدی با موضوعاتی مانند صندوق‌های ویژه، آزادی رسانه‌ها و سیستم جزایی است صورت گیرد.

۴. حمایت از درخواست گرجستان برای پیوستن به ناتو از طریق تشویق دولت به در پیش گرفتن روش‌های صلح‌آمیز برای حل و فصل منازعات به بن‌بست رسیده یکی دیگر از استراتژی‌های اتحادیه اروپا باشد. اتحادیه اروپا می‌تواند تأکید کند گرجستان بر انجام تعهداتش نسبت به ناتو پایبند بوده و در جهت پیشرفت به سوی طرح عضویت، سرعت بیشتری به اجرا برنامه‌های خود بدهد. کمک به اقتصاد گرجستان از طریق ایجاد اتحادیه گمرکی و هم‌زمان آسان کردن صدور ویزا برای دانشجویان و کارگران کشاورزی از جمله این امور است. در نهایت اتحادیه اروپایی تقویت توانایی‌اش را از طریق ارتباط به شرط منافع اقتصادی با روند اصلاحات در کشورهایی که در آرزوی استانداردهای غربی برای حکومت و مدیریت اقتصادی هستند، ترسیم کند.

گرجستان کشوری است که به اشکال متعدد از تعهدات اتحادیه اروپا می‌تواند منتفع شود. اروپا نیز از انتقال گرجستان به شرایط جدید بهره‌مند خواهد شد. هرچند تحولات جدید در قفقاز جنوبی که با ادامه تنش‌ها میان روسیه و گرجستان و حمله گرجستان به اوستیای جنوبی و عکس‌العمل روسیه آغاز شد، نشان داد تضاد منافع و رویارویی غرب با روسیه در این منطقه

همچنان ادامه خواهد یافت و هر کدام از طرفین با ابزارهای در دسترس خویش تلاش خواهند کرد تا حوزه نفوذ خود را گسترش داده و حوزه نفوذ رقیب را محدود نمایند.

تنبیه گرجستان از سوی روسیه در برابر تهدید آمریکا به اخراج روسیه از گروه هشت و تیرگی روابط میان ناتو و روسیه و اعلام همبستگی اتحادیه اروپا و آمریکا با گرجستان در عمل نشان داد که این حوزه استراتژیک به لحاظ امنیت عرضه انرژی به غرب و دسترسی به منابع انرژی حوزه دریای خزر و حتی در چشم انداز وسیع تر رقابت با چین برای غرب از اهمیت حیاتی برخوردار است. همان گونه که روسیه نیز تلاش می کند با مقاومت در مقابل گسترش ناتو حداقل بخشی از نفوذ سابق خود در منطقه را حفظ کند.

هرچند جنگ ماه اوت ۲۰۰۸ بین روسیه و گرجستان تا حدود زیادی معادلات منطقه ای و بین المللی در قفقاز جنوبی را بر هم زد و شکنندگی اوضاع را افزایش داده و تعارض بیش از پیش منافع میان غرب و روسیه را به نمایش گذاشت. مواضع سخت غرب در خصوص حمایت از تمامیت ارضی گرجستان و موضع آشکار روسیه در به رسمیت شناختن مناطق تجزیه طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا نشان دهنده حساسیت و اهمیت استراتژیک و اکونومیک قفقاز جنوبی و به ویژه گرجستان به عنوان مسیر ترانزیت برای انتقال انرژی از منطقه دریای خزر می باشد. حمایت اروپا از عضویت گرجستان در ناتو و نقش فرانسه به عنوان رئیس دوره ای اتحادیه اروپا در امضا توافق نامه آتش بس میان گرجستان و روسیه از یک سو نشان دهنده نقش فعال اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی و از سوی دیگر نشان گر اهمیت این منطقه برای سیاست همسایگی اتحادیه اروپا است.

منابع

1. Bahrapour, Tara (2007), "Georgia's President Moves up Election Date", **Washington Post**, November 9.
2. Baramidze, Giorgi (May, 2005), "Georgian State Minister on European and Euro-Atlantic Integration", at: <http://www.eu-integration.Gov.ge/eng/speeches.Php>.
3. Castle, Stephen (May 1, 2008), "NATO Accuses Russia of Stirring Tensions in Georgia", **Herald Tribune**, Available at: <http://www.iht.com/bin/printfriendly.php>.
4. "Declaration by the Presidency on Behalf on the European Union on Recent Developments in Georgia South Ossetia" (21 February 2006), at: www.eu2008.si/en/News_and_Documents/CFSP_Statements/April/0418MZ_Z_Gruzija.html.
5. Dzhindzhikashvili, Misha (January 4, 2008), "Thousands Protest Georgia Presidential Election," **The New York Sun**.
6. "Elements for Inclusion in an EU / Georgia ENP Action Plan," 20 December 2005, at: cio.ceu.hu/cens/assets/files/Georgia.

7. "European Commission and World Bank, International Donors Give Extraordinary Support to Georgia: Approx 1\$ Billion Pledge, Joint Press Release," Brussels (16 June 2004), at: <http://europa.eu.int/comm/external-relation.pdf>.
8. Euobserve (3 May, 2007), "Georgia and EU Play Endgame on Frozen Conflict," **European Foun**, Available at: <http://www.Europeanforum.net/news/396>.
9. "Georgia Announces Final Result of Presidential Election", at: www.xinhuanet.com.
10. "Georgia's Inclusion into the U. S. Government Millennium Challenge Project" (2002), **Ministry of Civil Aviation**, at: <http://www.mca.gov>.
11. International Crisis Group (ICG) (20 March 2006), "Europe Report N173 Conflict Resolution in the South Caucasus: the EU's Role", at: <http://www.crisisgroup.org>.
12. Leonard, Mark and Charles Grant (2005), "Georgia and EU: Can Europe's Neighbourhood Policy Deliver?," **Center for European Reform**
13. Lynch, Dov (February 2006), "Why Georgia Matters", **Institute for Security Studies**.
14. Nuriyev, Elkhana (July 2007), "EU Policy in the South Caucasus: A View from Azerbaijan," **Center for European Policy Studies**, No 272.
15. "Seven Partner to Join Nabucco Project, Today's Zaman, German RWE Becoming Sixth Nabucco Partner, (February 6, 2008)," **Tehran Times**.
16. Starr, Fred and Cornell, Svante (ed) (2005), **The BTC Pipeline: Oil Window to the West**, Washington: CACI John Hopkins University.